

من و ام‌اس

شروع اسفند
باطعم «مرگ» و «ام‌اس»



مریم پیمان

● باهایم خالی می‌شوند، اینجا، این‌سوی دنیای آرام، «دور دور»، دستم را به درخت رنجور مقابل خانه می‌گیرم و به دیوار خانه قدیمی خیره می‌شوم. می‌دانستم وقتی زیر آسمان من نیست، چیزی کم خواهد بود. پارچه سیاه، تصویر سفیدپوش پیرمرد را احاطه کرده است. تقاله‌های جای او این درخت را زنده نگه داشته بود و من تنها کسی نبودم که برای ریختن آنها به پای درخت صدا می‌کرد. درد تزریق‌های متعدد در عضله‌هایم می‌پیچد. شاد قدم زده بودم. «چه شادمانی کوتاه‌ی!» خیر سلامتی فرزند دوستی رسیده بود که دلتنگی من به «مرگ» و «سفر» منجر شد. چه چله‌های تلخی این سال داشت و حالا بی‌رحمانه به بهار هم تسری خواهند یافت: «چنان که یخ‌زده تقویم‌ها اگر هر روز/ هزاربار بیاید بهار، کافی نیست»، پله‌ها را بالا می‌آیم. نفس‌های منقطع شده‌اند. قطع دو قرص بی‌اجازه پزشک و تغییر دما آزاردهنده است. افسار بیماری در دستان من افتاده و قطع دارو را بعد از چند ماه، پزشک هم تأیید می‌کند. انرژی عجیبی در من چله‌ای بیداد کرد. زندگی زمستانی بی‌وقفه جاری بود، اما روزهای گذشته را در خواب گذراندم، مانند عروسک خرس‌های شاد خواب‌آلوده کنار خیابان. نمی‌خواستم زمان را حس کنم. نمی‌دانم آبریزش بینی از عارضه داروها، نشانه‌های آلرژی بهاری یا اثر اشک‌های لغزیده بر گونه‌هایم است. بی‌حسی‌های بهارانه سررسیده است و تماس‌ها هم چندبرابر خواهد شد؛ همه از احتمال بروز «ام‌اس» به دلیل بی‌حسی عضوی خواهند گفت و بی‌اور نمی‌کنند، تغییر دما سیستم ایمنی را جز «ام‌اس» درگیر خواهد کرد و با تکرار نشانه‌ها باید به پزشک مراجعه کنند. بارها پیام‌هایم را مرور کردم و تنها تکرار خواندن جمله‌های «او» در میان کار، نگرانی و احوال‌پرسی، من را آرام نگه می‌داشت. نمی‌خواستم از خانه امن مادرم بیرون بیایم، اما دور‌هایم اینجا بودند. دلشوره‌هایم برگشتند. «هوا گرم می‌شود». می‌خواهم گریه کنم. انگار همه سختی‌ها از نو و حتی دشوارتر از پیش آغاز شدند. پیرمرد هم مُرد. ترس هجوم می‌آورد؛ «مادرم تا کی خواهد بود؟... برادرم به سلامت خواهد آمد؟... هواییامی سقوط می‌کند؟... ساختمانی آتش خواهد گرفت؟... حال همه ما خوب است؟...» دمای متغیر، عوارض دارو را بلندمند کرده است و هذیان ذهنی را جدی‌تر. هیچ علامتی در برابر دشمنان دیگران نیست و در من هم نباید باشد؛ «خستگی از بودن با سبد رنگین داروها را پایان می‌دهم». نیمی از داروهایم را در یک سال کنار گذاشتم و قدرت اراده و ذهنم را به چشم دیدم، اما حالا با خبری کوتاه باهایم خالی شدند. لطم می‌خواهم همه داروها را به زباله‌دانی پرت کنم تا سال نو هیچ اثری از آنها در خانه‌ام باقی نماند. بعد از ۱۷ سال ابتلا و شُک به «ام‌اس» امروز از همیشه برای خوب‌بودن بیشتر عجله دارم. نمی‌خواهم بلوغ بیماری را جشن بگیرم. بپله‌ها را بی‌توان بالا می‌روم؛ «به جُرم عشق تو باشد که آتشم بزند؛ برای کشتن حلاج، دار کافی نیست»، مادرم دعایم کرد. می‌دانم، راحلی جز خواست «من» و «خدا» در کار نیست؛ «خودت بخواه که این انتظار سر برسد/ دعای این‌همه چشم‌انتظار کافی نیست»، کلید را در قفل می‌چرخانم.

جدول ۲۷۷۰ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- دیار رئیسعلی- بیماری کم‌خونی- خدمتکار پیر ۲- چند زاویه- مهاجم تیم فوتبال پرسپولیس ۳- قهر جهنم- تحفه- شهرداری قدیم ۴- برخی آن را از سر گذاشد می‌نوازند- گوشه‌ای در دستکاه نوا ۵- صدای گوسفند- باد بسیار گرم- محوکردن- اندک ۶- وسیله توجیه ادعای دروغین- ارتفاع ۷- زمینی مثلثی‌شکل که از آپرئت رودخانه پدید می‌آید- با میل خود آماده انجام کاری است- رها و آزاد ۸- نوعی کپوش- از اجرام آسمانی- برابر ۹- فرزند عرب- غیرایرانی- خودخواهی ۱۰- شاخه‌ای از ریاضیات- قهرمان نوجوان رمان‌های جی.کی. رولینگ ۱۱- قیمت بازاری- اشاره به دور- قدرت و نیرو- مفقود ۱۲- نام قدیم شهر آبادان- سخت و محکم ۱۳- تلافی- نوعی آبگوشت- عیب و ننگ ۱۴- پادشاه عادل عهد ساسانی- خوراک سفر ۱۵- تشکر فرانسوی- غرور و خودستایی- پزیشان‌گویی تبادر.

عمودی:

۱- نام قدیم زاهدان- انبار اجناس و غلات- عاقبت ۲- ماست چکیده- از آثار استاد شهید مرتضی مطهری- پارچه نوشته تبلیغاتی ۳- بر زیبایی و دوام کشش می‌افزاید- زدودن- پاک‌کردن- فیلمی از بهروز افخمی با بازی نیکو کریمی ۴- از ویتامین‌ها- شاخه تازه روینده درخت- رئیس ده فراشر در دوره

معصومه اصغری: حدود دو ماه قبل خبری در رسانه‌ها همراه با عکس منتشر شد که در آن درختانی کهن‌سال و بزرگ با ریشه‌هایشان، روی هوا و در دست‌های یک جرتقیل، معلّق بودند. همان زمان گفته شد اینها درختان باغی در الهیه و در جنب باغ سفارت روسیه هستند. در ادامه پیگیری‌ها یکی از اعضای شورای شهر تهران اعلام کرد طبق گفته مالک، این درختان در حال جابه‌جایی بوده‌اند و قطع نشده‌اند. اما همچنان که اتفاقات در این باغ ادامه داشت، شهروندان هم گزارش‌هایی را از قطع درختان کهن‌سال در این باغ که به شکل مستقیم رویت کرده‌اند به «شرق» می‌دادند که روند دیگری را حکایت می‌کرد. این گزارش‌های مردمی تا روز گذشته ادامه داشت که یکی از شهروندان اعلام کرد جلوی چشم خودش سه درخت را بسا اره برقی بریده‌اند و تا ساعاتی تنها‌هی درخت‌ها در باغ وجود داشته است.

۳۰ دی، محمدمهدی تندگویان، عضو شورای شهر تهران، در تذکری از ترفند جدید برای ساخت‌وساز در باغ‌ها صحبت کرد و با ارائه مشخصات باغ فوق در الهیه گفت: بررسی‌ها نشان داد یک سال قبل، مالک این باغ حدودا شش‌هزارمتری درخواست تخریب و نوسازی به کمیسیون ماده ۵ ارائه کرده و متأسفانه کمیسیون مذکور نیز با وجود رای بر «باغ‌بودن این ملک» مجوز ساخت ۱۰ طبقه با سطح اشغال ۵۰ درصد را صادر می‌کند.

وی با بیان اینکه بررسی‌ها نشان داد مجموعا ۱۳۰ درخت کهن‌سال در این ملک وجود داشته که درحال‌حاضر تنها ۸۰ اصله درخت باقی مانده و مابقی درخت‌ها به طرق مختلف حذف شده‌اند، گفت: حذف درختان نشان می‌دهد مالک پروسه‌ای طولانی برای حذف این درختان قدیمی داشته است، اما بنا به دلایلی، مالک جدید تصمیم می‌گیرد تقریباً سه همان تعداد درختانی که کسر شده‌اند، درخت جدید بکارد.

نایب‌رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران اضافه کرد: در ابتدا از این اقدام مالک در راستای کاشت درختان خوشحال شدیم، اما بررسی‌های بیشتر، ابعاد دیگری از ماجرا را فاش کرد؛ به گونه‌ای که مدل کاشت این درختان جدید متفاوت بود و این موضوع شک کارشناسان را برانگیخت. مالک قصد داشت درختان کهن‌سال حدودا ۲۰ساله بسا بن ۳۰ سانت را درون باکس‌هایی بکارد و احتمالاً پس از آغاز ساخت‌وساز مکان آنها را تغییر دهد.

او بیش از یک ماه قبل گفته بود جلوی اقدامات این مالک گرفته شده و کمیسیون ماده ۷ قطعاً به تخلفات مالک این باغ رسیدگی می‌کند و قطعا تعداد درختان کسرشده محاسبه و مجموع بن آنها از تعداد درخت‌های کاشته‌شده کم و مابه‌التفاوت جرّانم به مالک اعلام خواهد شد و از سوی دیگر قطعا در نامه‌ای به کمیسیون ماده ۵ از آنها خواهیم خواست رای‌شان را ابطال کنند. اما گویا این روند با بیش از اندازه طول کشیده یا اصلا شروع نشده و به مالک ابلاغ نشده؛ چراکه مالک بدون هیچ مانعی همچنان به کار خود که همان قطع و حذف درختان است، ادامه داده و این تنها شهروندان و همسایگان این باغ هستند که از دور شاهد قتل و تکه‌تکه‌شدن درختان این باغ هستند و نمی‌توانند کاری کنند. یکی از شهروندان همسایه این باغ در تماس با «شرق» گفت: «گویا مالک این باغ فقط سه میلیارد تومان به عنوان «حق فضای سبز» به شهرداری داده و به اسم کاشت نهال، درختان قدیمی و باارزش را قطع می‌کند.

اما در حکم کمیسیون ماده ۵ و طبق طرح تفصیلی، این باغ با بیش از چهار هزار متر با گذرهای ۱۲ متر در غرب، ۱۰ متر در جنوب و شش متر در شرق، به عنوان

پهنه G (پهنه‌های حفاظت سبز و باز ویژه) اعلام شده است. در درخواست خرداد سال گذشته مالک موضوع تدقیق و اصلاح خط زیر پهنه G32۱ مربوط به محدوده سفارت روسیه و الحاق ملک مورد تقاضا به زیر پهنه مجاور R251 مطرح می‌شود. علاوه‌براین در متن نامه کمیسیون ماده ۵ به سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران در سال ۸۵، بر باغ‌بودن این ملک تأکید شده است؛ اما درنهایت کارگروه فنی حکم به احداث ۹ طبقه مسکونی روی همکف و زیرزمین‌ها در سطح اشغال حداکثر ۳۰ درصد می‌دهد. البته از هشت عضو کمیسیون ماده ۵ دو نفر، یعنی معاون شهرسازی وزیر راه و معادن سازمان محیط زیست این مصوبه را امضا نمی‌کنند.

این مصوبه برج- باغ همان مصوبه‌ای است که به استناد آن تاکنون تعداد بی‌شماری از باغات تهران از دست رفته‌اند و هنوز هم رئیس شورای شهر تهران و بسیاری از اعضای شورا روی مفیدنبودن آن تأکید دارند و بارها گفته شده است این قانون نیاز به اصلاح دارد. براساس مجوز برج - باغ، مالک می‌تواند حداکثر ۳۰ درصد از مساحت زمین مشجر را مشربوط به حفظ ترکیب سبز - ۷۰ درصد مابقی، عرصه ساخت‌وساز قرار دهد، اما در عمل بیش از یک‌سوم باغ را به عناوین مختلف از جمله مشاعات، تأمین پارکینگ، رمپ ورودی و... تبدیل و تخریب می‌کنند.

در جلسه شورای شهر تهران این هفته هم این موضوع بار دیگر مورد اعتراض قرار گرفت و ابوالفضل قناعتی، عضو هیئت‌رئیس شورای شهر تهران گفت: یک برج‌ساز معروف در خیابان عمار در منطقه یک تهران در حال ساختن برجی ۱۶طبقه است و ۳۰ درصد مصوبه برج-باغ را رعایت نکرده و حتی از سطح اشغال نیز فراتر رفته است، اما کسی به او کاری ندارد. محمد حقانی، رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران هم بار دیگر درباره مصوبه برج - باغ هشدار داد و گفت: مصوبه برج - باغ‌ها هرچند با نیت خیر در سال ۸۲ به تصویب رسید، اما تیشه به ریشه باغ‌های تهران زده است.

به گزارش «شرق»، قتل درختان در کنار افزایش همه آمارهای نگران‌کننده در کشور و تهران همچنان ادامه دارد. درختان قربانیان بی‌زبان این روزهای پایتخت، حتی بدون آنکه آمار مرگ و قطع و خشک و سوزانده‌شدنشان

جامعه

شهروندان در تماس‌های مکرر با «شرق» از ادامه قطع و تکه‌تکه‌شدن درختان در باغ الهیه خبر می‌دهند

باغ‌کشی در بالاشر



یک نمای هوایی از باغ‌کشی در تهران

زمین شهری تغییراتی در این قانون اعمال شد. در سال ۸۲ با ارائه لایحه برج-باغ از سوی شهردار وقت به شورای شهر دوم تهران به شکلی قانونی مجوز ساخت در زمین‌های خانه - باغ صادر شد و سهم رسمی و قانونی تجاوز مالک به محدوده باغ از ۱۰ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافت و تراکم آن هم معادل تراکم مجاز اسلاک در هر منطقه تعیین شد. در آن زمان اعضای شورای شهر تهران در توجیه این تصمیم، این موضوع را مطرح می‌کردند که با این قانون جدید جلوی خشک‌شدن و تخریب و سوزنشدن باغات را می‌گیریم چراکه مالکان می‌دانند در همان سطح ۳۰ درصد هم می‌توانند ساخت‌وساز مورد نظرشان را انجام دهند و بخش بیشتری از باغ را سالم نگه می‌دارند. این مصوبه بعدها در شورای سوم شهر تهران مورد اعتراض و چالش زبادی قرار گرفت و حجم بسیار باغاتی که با این مصوبه رو به تاراج رفتند و به جایشان برج‌های بسیار سرکشیدند، زنگ خطر را به صدا آورد؛ زنگ خطری که همه شهر صدایش را شنیده‌اند اما هنوز به گوش برخی از اعضای شورای شهر و شهردار تهران نرسیده است.

رحمت‌الله حافظی، رئیس کمیسیون سلامت و محیط زیست شورای شهر چهارم تهران در این دوره بارها درباره این مصوبه و باغاتی که کم‌کم یا یکباره از دست رفتند، هشدار داده است. او در توضیح اینکه چگونه مالکان دولتی و خصوصی با این مصوبه باغات تهران را به تاراج برده‌اند، گفت: با این مصوبه ۴۵ درصد از مساحت باغ در منفی دو طبقه گودبرداری و در ارتفاع نیز از ۱۱ تا ۲۱ طبقه ساخته می‌شود و در عمل در جریان عملیات ساخت‌وساز، بیش از ۷۰ درصد باغ از بین می‌رود. او تأکید دارد درباره صیانت از باغات، قانون بالادستی نظیر مصوبه شورای انقلاب

قوی‌تر و ارجح‌تر نسبت به مصوبه شورای شهر تهران است اما در عمل توجهی نمی‌شود. او گفت: در چند سال اخیر تذکرات و انتقاداتم را نسبت به عملکرد شهرداری و حتی شورای شهر تهران درباره باغات اعلام کردم اما متأسفانه افرادی هستند که نفع خود را در سیاسی‌کردن امور می‌دانند و با رویکرد پوپولیستی و عوام‌فریبی سعی در انحراف موضوعات دارند و در این میان این باغات هستند که هر روز بیش از قبل از بین می‌روند.

درست و کامل داده شود، حذف می‌شوند. گزارش مردم به رسانه‌ها برای جلوگیری از قطع و قتل درختان همچنان ادامه دارد. هفته گذشته «شرق» گزارشی از تخریب یک باغ در خیابان فرشته تهران به مالکیت بنیاد مستضعفان داشت و این شهروندان هستند که تاکنون به داد این باغ رسیده‌اند و می‌گویند: «از پیگیری موضوع در شهرداری و سامانه‌هایش جز یک کد پیگیری و چند تکه کاغذ جوابی نگرفتیم و حالا هم شهرداری به اسم پلمب ملک، تنها یک نیوجرسی جلوی باغ گذاشته، اما مالک به کارش ادامه می‌دهد». شهروندان می‌گویند وقتی موضوع را دارند در همان سطح ۳۰ درصد هم می‌توانند ساخت‌وساز مورد نظرشان را انجام دهند و بخش بیشتری از باغ را سالم نگه می‌دارند. این مصوبه بعدها در شورای سوم شهر تهران مورد اعتراض و چالش زبادی قرار گرفت و حجم بسیار باغاتی که با این مصوبه رو به تاراج رفتند و به جایشان برج‌های بسیار سرکشیدند، زنگ خطر را به صدا آورد؛ زنگ خطری که همه شهر صدایش را شنیده‌اند اما هنوز به گوش برخی از اعضای شورای شهر و شهردار تهران نرسیده است.

تخریب دور باشد.

باغ‌کشی با مصوبه قانونی

روند قانونی که در پیش از یک دهه اخیر به جان باغات تهران افتاده و به شکلی قانونی مجوز تخریب باغات را می‌دهد، مصوبه برج - باغی است که در سال ۸۲ و در دوران شهرداری محمود احمدی‌نژاد و ریاست مهدی چمران در شورای شهر تهران به تصویب رسید. این مصوبه از ابتدا با مخالفت‌های بسیار مواجه بود اما بدون تغییر تا امروز پایرجا باقی مانده و باغات و درختان تهران را به زیر می‌کشد.

پیش از این مصوبه طبق مصوبه سال ۶۲ شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران مربوط به نحوه افراز و تفکیک باغات و مزارع واقع در محدوده‌های شهری در زمین‌هایی با مساحت تفکیک‌شده باغات شهری دو هزار مترمربع و حداکثر سطح اشغال ۱۰ درصد از ساخت‌وساز را تعیین کرده بودند. بر این اساس حداکثر تراکم ساختمانی مجاز در این زمین‌ها ۲۰ درصد در حداکثر دوطبقه روی زیرزمین تعیین شده بود. پس از آن در سال ۶۶ و در جریان تصویب قانون

۱	۴	۳	۶	۲	۵	۸	۹	۷	
۹	۲	۸	۳	۷	۶	۱	۵		
۷	۵	۹	۱	۸	۳	۲	۴		
۲	۹	۱	۷	۸	۳	۵	۶	۲	
۲	۳	۵	۶	۱	۴	۸			
۶	۸	۵	۲	۹	۱	۷	۳		
۵	۶	۲	۱	۷	۲	۹	۳	۸	
۳	۷	۹	۸	۵	۶	۲	۴	۱	
۸	۱	۲	۹	۱	۷	۵			

۸	۹	۷	۲	۱	۳	۵	۳	۶	
۶	۵	۲	۸	۳	۹	۱	۷	۴	
۳	۱	۴	۶	۵	۷	۲	۹	۸	
۱	۲	۸	۵	۷	۶	۳			
۴	۶	۳	۷	۸	۲	۹	۵	۱	
۹	۷	۵	۳	۱	۴	۵	۲		
۲	۳	۹	۱	۷	۶	۸			
۷	۴	۶	۵	۲	۸	۳	۱	۹	
۵	۸	۱	۹	۴	۳	۶	۲	۷	

۸	۹	۷	۲	۱	۳	۵	۳	۶	
۶	۵	۲	۸	۳	۹	۱	۷	۴	
۳	۱	۴	۶	۵	۷	۲	۹	۸	
۱	۲	۸	۵	۷	۶	۳			
۴	۶	۳	۷	۸	۲	۹	۵	۱	
۹	۷	۵	۳	۱	۴	۵	۲		
۲	۳	۹	۱	۷	۶	۸			
۷	۴	۶	۵	۲	۸	۳	۱	۹	
۵	۸	۱	۹	۴	۳	۶	۲	۷	

جدول ۲۷۶۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

سودوکو سخت ۱۷۶۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۷۶۶

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

یادداشت

روزی برای وکیل مدافع

میرحامد اکبری
حقوق‌دان و مدرس دانشگاه

● کانون وکلای دادگستری، این نهاد دیرپای مدنی که در روز هفتم اسفندماه ۱۳۳۱ خورشیدی بنا به اختیارات فوق‌العاده قانون‌گذاری اعطایی از سوی مجلس شورای ملی به شادروان دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر وقت استقلال یافت، در ادوار مختلف، فرازونشیب‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. نهاده‌ها، صنف‌ها و سندیکاهای حرفه‌ای مختلفی در کشور مشغول به کار هستند که هرکدام به فراخور حرفه و وظایف خود، سهم مهمی در اعتلای امور در این مرزوبوم دارند و کانون وکلای دادگستری یکی از قدیمی‌ترین و باسابقه‌ترین آنان است که همواره نقش فعالی در تدبیر مسائل صنفی اعضای خود و تعامل سازنده با دادگستری داشته و از اعضای فعال و شاخص اتحادیه جهانی وکلای دادگستری (IBA) است. اهمیت و جایگاه حرفه‌ای وکالت در درجه‌ای است که قانون اساسی در اصل ۳۵ به آن اشاره کرد؛ چراکه دادرسی عادلانه بدون وجود وکیل‌مدافع معنایی ندارد و وکیل دادگستری است که به عنوان یک بال فرشته عدالت آن بال دیگر را که سیستم قضائی است یاری رسانده و راه را برای احقاق حق توده‌های مظلوم جامعه هموار می‌کند. در تقویم رسمی کشور برای تجلیل از اصناف مختلف از جمله کارگر، پزشک، مهندس، معلم، پرستار و... روزی را اختصاص داده‌اند تا از این رهگذر از سهمی که در پیشرفت و آبادانی مملکت دارند تقدیر بشود؛ اما در این میان نامی از روز وکیل‌مدافع به چشم نمی‌خورد؛ گرچه کانون‌های وکلای دادگستری هرساله در روز هفتم اسفندماه و به مناسبت سالروز استقلالشان مراسم‌های مختلفی برای بزرگداشت این روز برگزار کرده و این روز را به عنوان روز وکیل‌مدافع نام‌گذاری کرده‌اند؛ اما این نام‌گذاری غیررسمی حق مطلب را ادا نمی‌کند و مناسب است که شورای محترم فرهنگ عمومی وفق بند (ب) ماده ۲، دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه نحوه نام‌گذاری روزها و مناسبت‌های خاص مصوب ۱۳۸۹، روز هفتم اسفندماه که روز استقلال کانون وکلای دادگستری بوده و قریب‌به‌اتفاق وکلای دادگستری کشور نیز این روز را به عنوان روز وکیل‌مدافع قبول دارند، به عنوان روز وکیل‌مدافع نام‌گذاری کنند.انتظار می‌رود جناب آقای دکتر روحانی، رئیس‌جمهور محترم که خود حقوق‌دان و عضو کانون وکلای دادگستری نیز هستند، به عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای تقدیر از مقام شامخ وکلای دادگستری دستورات لازم برای نام‌گذاری روز هفتم اسفندماه را به عنوان روز وکیل‌مدافع در تقویم رسمی کشور صادر کنند؛ چرا که این اقدام مُهر تأییدی است بر حفظ جایگاه و شان وکالت دادگستری در کشور عزیزمان ایران.

